

Investigating the relationship between spiritual intelligence and the type of religiosity (case study: youth of Yazd)

Massoud Hajizadeh Meimandi*

Akbar Zare Shahabadi**

Fezeh Abolhosni Ebrahimabadi***

Abstract

It appears that we can relate spiritual intelligence as a skill in events interpretation and discovering the meaning of life and solving the problem to life religion. The objective of this study is to explore the relationship between spiritual intelligence with religiosity types of youths using life worlds pluralism and Berger's market metaphor and Eimonz spiritual intelligence. The instruments of this study was a researcher-made questionnaire whose validity was corroborated through face validity and its reliability was confirmed through alpha Cronbach. The statistical population is Yazd youths aged 15 to 34 among whom 384 were selected through Cochran formula and cluster sampling. Data were fed into SPSS software and analyzed through conducting factor analysis and t-test, f-test, correlation coefficient and path analysis. The findings of the research indicated that the two types of public religiosity and bricolage has been recognized among youths and females have public religiosity whereas males have bricolage religiosity. Economic-social base has a negative correlation with public religiosity, but it has a positive and significant correlation with bricolage religiosity. Also, there is a positive and significant correlation between spiritual intelligence and religiosity type. The regression model shows that: independent variables (spiritual intelligence, marital status, economic-social base), explain 12 percent of public religiosity fluctuation and 11 percent of bricolage religiosity fluctuation.

Key Words: Economic-Social Base, Public Religiosity, Bricolage Religiosity, Religiosity Type, Spiritual Intelligence.

* Associate Professor, Department of Sociology, Yazd University, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, masoudhajizadehmeimandi@gmail.com.

** Associate Professor, Department of Sociology, Yazd University, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, a-zare@yazd.ac.ir.

*** Student, Department of Sociology, Yazd University, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, abolhasani67fa@yahoo.com.

بررسی رابطه هوش معنوی و نوع دین‌داری (مطالعه موردی: جوانان شهر یزد)

مسعود حاجی‌زاده میمند*
*

اکبر زارع شاه‌آبادی**
**

فضه ابوالحسنی ابراهیم‌آبادی***

چکیده

به نظر می‌رسد می‌توان هوش معنوی را به‌عنوان مهارتی در تفسیر رویدادها و کشف معنای زندگی و حل مسائل، در ارتباط با زیست دینی دانست. هدف این پژوهش، بررسی رابطه هوش معنوی با نوع دین‌داری جوانان با کمک نظریه تکثر زیست جهان‌ها و استعاره بازار برگر و هوش معنوی ایمونز است. ابزار این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بوده که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا و پایایی آن از طریق آلفای کرون باخ تأیید شده است. ۳۸۴ نفر از جوانان ۱۵ تا ۳۴ ساله شهر یزد با کمک نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. داده‌ها با نرم‌افزار spss و تحلیل عاملی و آزمون‌های f, t ، ضریب همبستگی و تحلیل مسیر تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد دو نوع دین‌داری عامه و بریکولاژ در بین جوانان شناسایی شده و زنان دین‌داری عامه و مردان بیشتر دین‌داری بریکولاژ دارند. پایگاه اقتصادی-اجتماعی با دین‌داری عامه همبستگی منفی دارد؛ اما با دین‌داری بریکولاژ همبستگی مثبت و معنادار دارد. همچنین، همبستگی مثبت و معناداری بین هوش معنوی و نوع دین‌داری وجود دارد. مدل رگرسیونی نشان می‌دهد متغیرهای مستقل (هوش معنوی، وضعیت تأهل، پایگاه اقتصادی-اجتماعی) ۱۲ درصد از تغییرات دین‌داری عامه و ۱۱ درصد از تغییرات دین‌داری بریکولاژ را تبیین می‌کنند. **واژگان کلیدی:** پایگاه اقتصادی-اجتماعی، دین‌داری عامه، دین‌داری بریکولاژ، نوع دین‌داری، هوش معنوی.

* دانشیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران
masoudhajizadehmeimandi@gmail.com

** دانشیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران
a-zare@yazd.ac.ir

*** دانشجو، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران
abolhasani67fa@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

مقدمه و بیان مسئله

در هیاهوی عصر جدید و در آستانه ورود به دنیای مدرن و فناوری‌های رواج یافته، احساس خلأ معنویت می‌تواند نگرانی‌های دنیای کنونی را تشدید کند. پس از طرح نظریه‌هایی مبنی بر وجود انواع هوش در انسان، این روزها شاهد رواج مفهومی از هوش، به‌عنوان هوش معنوی هستیم. هوش معنوی، با فراتر رفتن از روابط فیزیکی و مسائل روزمره و عادی به دنبال یافتن پاسخی محکم، شهودی و متعالی برای ذهن کنجکاو بشر است که به نظر می‌رسد انگیزه‌ای باشد برای حرکت به سوی آموزه‌های دینی به جهت یافتن پاسخ یا می‌توان سابقه دینی و مذهبی جوامع را پرورش‌دهنده هوش معنوی دانست. پاسخگویی ادیان به پرسش‌های بنیادین «کیستم»، «چه می‌کنم»، «می‌تواند نقطه تماس دین و هوش معنوی باشد. اهمیت هوش معنوی در جامعه را می‌توان در انگیزه روانی مشاهده کرد که به پویایی اجتماعی کمک می‌کند که به‌تازگی به‌عنوان پتانسیلی برای زیست بهتر اجتماعی مورد مطالعه جامعه‌شناسان قرار گرفته است.

آنچه امروز توجه مضاعف جامعه‌شناسان را به دین جلب کرده است و به مطالعات جامعه‌شناسی دین، نیرویی تازه بخشیده، فراتر رفتن و چرخش از ادعای افول دین در ابتدای مدرنیته و تحقق عرفی‌سازی به طرح طلوع مجدد دین در جوامع است. گذر زمان اثبات کرده که دین‌داری، فراتر از دوگانه دین‌دار/ غیردین‌دار و با تنوع بسیار -همگام با تغییرات در جوامع و متناسب با تحولات جهان- ادامه حیات می‌دهد؛ گویا به‌جای افسون‌زدایی، افسون به جهان بازگشته است. به بیان برگر «وقتی به جهان می‌نگرم درمی‌یابم که جهان به‌جز موارد انگشت‌شماری در سایر موارد نه تنها همچنان دینی است، بلکه دینی‌تر شده است» (برگر، ۲۰۰۰، ص ۹۶۵). تاده شصت میلادی نظریه‌هایی چون «خروج دین» مارسل گوشه،^۱ «کسوف امر قدسی» سابی نو اکواویوا و «افسون‌زدایی از جهان» وبر... بیان‌کننده جایگاه دین در دنیای مدرن بود (شریعتی، ۱۳۹۴).

اما از پایان این سال‌ها در ادبیات جامعه‌شناسی تحول چشمگیری به وجود آمد: «بازگشت امر دینی» شامپیون، دورتییه،^۲ «بیداری دین»، «افسونگری مجدد جهان» برگر، «انتقام خدا» ژیل کپل...^۳ عناوین جدید آثاری بودند که سرنوشت دین در مدرنیته را موضوع کار خود قرار می‌دادند. کمتر از یک ربع قرن، چرخش از پارادایم «زوال دین» «بازگشت و بازترکیب امر دینی» آشکار شد و دین خصوصی شده در جوامع عرفی شده، جوامعی که به پیشرفت خود جز به زوال تدریجی دین نمی‌اندیشیدند؛ ورود جنجال‌ای به عرصه عمومی داشت (شریعتی، ۱۳۹۴). از شواهد چنین به

1. Gauchet, Marcel

2. Champion. Dortier

3. Gilles Kepel

نظر می‌رسد علم جدید و مدرنیته قادر نیست دین را از صحنه حذف کند و انسان را از آسمان بی‌نیاز و رها از معنا و معنویت کند؛ اما علم کارکردهای شناختی دین را کاهش می‌دهد و به‌عنوان منبعی قوی‌تر از دین عمل می‌کند؛ ولی نمی‌تواند جلوی کنش‌های برخاسته از انگیزه‌هایی که ایمان دین‌داران به آنها می‌دهد را بگیرد؛ ... قدسی‌سازی و ویژگی انسان است و قداست بخشی «یگانه باور اخلاقی است که می‌تواند انسان‌های جامعه مدرن را به یکدیگر پیوند دهد» (خدای، ۱۳۹۶، ص ۵۸).

بنابراین، تبیین وجود جامعه‌ای منسجم و همبسته، بدون توجه عامل دین غیرممکن است؛ اما واضح است که اگر قبلاً دین، در چارچوبی تمامیت‌خواه جامعه را تحت سلطه خود داشت و تمام باورها و نظام اجتماعی را متأثر از خود می‌کرد؛ اکنون پس از تحقق فرایند عرفی‌سازی، از موضع خود عقب‌نشینی کرده و به حاشیه رانده شده است. درنهایت حتی اگر از منظر کلاسیک عرفی‌سازی را توضیح دهیم، در این رویکرد تعامل مدرنیته و دین به‌صورت جمع‌جبری صفر نیست (خدای، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸)؛ بلکه با طیف وسیعی از بازترکیب بندی اجتماعی-فرهنگی در امر دینی مواجهیم و نه ناپدیدشده‌آن. تأثیر تغییرات زمانی و مکانی بر ساختار جوامع به‌وضوح مشهود است. این شرایط متغیر، دین را- به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادها در رویارویی با نهادهای دیگر، با چالش‌هایی مواجه کرده است؛ به‌طوری‌که در عصر حاضر برای توضیح دین‌داری جوامع، دوگانه دین‌دار و بی‌دین پاسخگو نیست؛ و نوع دین‌داری متناسب با تکثر در زیست جهان‌ها و تغییرات جوامع شکل گرفته است. امروز شاهد حضور دین در جوامع هستیم؛ اما نه مشابه آنچه در جوامع سنتی حضور داشت. حال با نظر به اینکه به‌جای افول دین با خوانش متفاوت از دین مواجهیم، مسئله این است که چه عواملی باعث شده است از دین سنتی، به شکلی یکپارچه و سفارش شده از جانب مراجع رسمی، به دینی متکثر و دارای اشکال متعددی برسیم. بی‌شک یکی از عوامل این تغییرات، تأثیر متقابلی است که دین بر جامعه و جامعه بر دین دارد. دین‌داری، پدیده‌ای قائم به وجود و حیات انسان است و باوجود فطرت ثابت بشری، افراد انسانی دارای احوال متغیری هستند. لاجرم آنچه هستی و حیات و حیثیتش موکول و منوط به وجود آدمی است و مثل آدمی، متغیرالاحوال خواهد بود (محدثی، ۱۳۹۷، ص ۷۰).

آنچه از تحقیقات به نظر می‌رسد این است که باورها و عواطف دینی در میان جوانان حاضر و بادوام است؛ اما از سویی دیگر پذیرش و اجرای تمام ابعاد دین‌داری از جانب جوانان مورد تردید است (آزاده منصور و توکلی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲)، بررسی این عوامل که به تحولاتی در ذهنیت جوانان امروز انجامیده و به شکل‌گیری طیف‌های گوناگون و پویایی، از دین‌داری و تفسیرهایی نو

از مفاهیمی چون خدا، گناه، احکام، عبادت، ... انجامیده الزامی است. نوع انسان، تحت شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی به دنیا می‌آید، رشد می‌کند و تربیت می‌یابد؛ بنابراین بسیاری از شناخت‌ها، درک و مواجهه انسان‌ها با پدیده‌ها وابسته به پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌هایی است که در فرد درونی شده است؛ دین نیز از این قاعده مستثنا نیست.

حال با توجه به اهمیت یافتن هوش معنوی و خلأی معنویت در عصر فناوری، نیاز انسان به نیرویی آسمانی و ماورایی احساس می‌شود. با توجه به این موضوع آیا می‌توان چنین نتیجه گرفت که انسان گمشده معنوی خود را می‌جوید و به دنبال پاسخ نیازهای معنوی خود در قالب ادیان گوناگون است. برخلاف اینکه گروهی دین را متعلق به دنیای سنتی می‌دانند، انسان مدرن نیز به جهت برخورداری از هوش معنوی در پی گمشده معنوی و آرامش خود است. با توجه به اختلاف نظریه‌ها در تبیین نوع این ارتباط لزوم انجام تحقیقات بیشتری در زمینه دین‌داری و هوش معنوی در میان جوانان احساس می‌شود؛ بنابراین در این پژوهش با شناسایی دو نوع دین‌داری عامه و بریکولاژ، بر آنیم تا رابطه هوش معنوی به‌عنوان موتور جستجوی بشر برای معنا، با این دو گونه دین‌داری را بسنجیم. در این پژوهش به‌عنوان هدف کلی به دنبال بررسی رابطه هوش معنوی با انواع دین‌داری پذیرفته شده به‌وسیله جوانان شهر یزد هستیم.

مروری بر مطالعات پیشین

پژوهش‌های بسیاری در حوزه دین و سنجش میزان دین‌داری صورت گرفته است؛ اما با توجه به تغییرات در دین‌داری در عصر جدید و ظهور نوع نو دین‌داری، در این بخش، هنوز خلأ علمی مشاهده می‌شود و کمتر پژوهشی به رابطه هوش معنوی و نوع دین‌داری پرداخته است؛ یعنی تحقیقاتی که افزون بر وجود کششی متعالی در انسان، تغییرات عصر جدید را در زمینه دین مدنظر داشته باشند؛ به همین دلیل، در مطالعات پیشین، پژوهشی یافت نشد که دقیقاً با این پژوهش یکسان باشد. بنابراین به پژوهش‌هایی اشاره می‌شود که نزدیک به این پژوهش است.

گلمکانی و دیگران (۲۰۱۸) در بررسی ارتباط هوش معنوی و فعالیت‌های مذهبی، نقش معنویت و دین به‌عنوان جنبه‌های مهم زندگی در مسائل مرتبط با سلامت را مورد توجه قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که شادکامی ارتباط معناداری با هوش معنوی و فعالیت‌های مذهبی دارد. دانشی ليسان و خسروی (۱۳۹۷) پس از بررسی رابطه بین هوش معنوی، ذهنیت فلسفی و باورهای دینی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه، به این نتایج دست یافته است که بین هوش معنوی و ذهنیت فلسفی با باورهای دینی همبستگی معناداری وجود دارد. عابدینی و برات

دستجردی (۱۳۹۳) در پژوهشی رابطه دین‌داری و هوش معنوی و تأثیر آنها بر عملکرد تحصیلی دانشجویان را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان‌دهنده وجود رابطه بین دین‌داری و هوش معنوی و مؤلفه چهارگانه آن بود و دین‌داری بر عملکرد تحصیلی دانشجویان تأثیر معناداری نداشت؛ درحالی‌که هوش معنوی پیش‌بینی‌کننده قدرتمندی برای عملکرد تحصیلی دانشجویان بود. نمره‌های دانشجویان دختر در هوش معنوی و دین‌داری بالاتر از دانشجویان پسر بود. براساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت دین‌داری می‌تواند به رشد هوش معنوی کمک کرده و آن را تسهیل کند. خزایی (۱۳۸۹) در تحقیقی، مفهوم هوش معنوی را از دیدگاه دینی و آماری بررسی کرده و نتایج نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های هوش معنوی مثل تحمل فشار روانی، خوش‌بینی، مسئولیت‌پذیری و ... با اعتقادات مذهبی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. غباری‌بناب و دیگران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای پس از ارائه تعریف هوش و معنویت، اثرات مثبت این هوش را در زندگی اجتماعی و فردی و تعریف این مفهوم را از دیدگاه دینی بررسی کرده است. در تحقیق خوش‌طینت (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین دین، معنویت، هوش معنوی پرداخته است و سبک‌های برخورد با مسائل را در بین ادیان و هوشیاری معنوی شباهت‌هایی را تشخیص می‌دهد.

سهرابی (۲۰۱۸) معیار هوش معنوی (SQ) در متن قرآن و روایات اسلامی را بررسی کرده است. هدف این مطالعه، جستجو، شناسایی و تعریف معادلات و تصدیقات هوش معنوی در متون قرآن و روایات اسلامی است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مفاهیم شامل حکمت مقدس، حکمت نور، حساسیت، قاطعیت می‌تواند به‌عنوان هوش معنوی توضیح داده شود. باغلی و افشار (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیده که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان مفهوم هوش معنوی را با معادل‌های دینی (همچون فطرت) یکسان فرض نمود و این دو مفهوم در دو زمینه کاملاً متفاوت قرار دارد.

سریواستاوا^۱ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد هوش معنوی با سلامت روان در دانشجویان هنر، علوم، علوم انسانی به‌طور قابل‌توجهی ارتباط دارد. تفاوت معناداری بین دانشجویان هنر و علوم در زمینه هوش معنوی وجود ندارد. تفاوت معناداری بین دانشجویان دختر و پسر از نظر سلامت روان وجود ندارد. بنرجی^۲ و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهند تأثیر مثبت و معناداری روابط خانوادگی بر هوش معنوی دارد. منور و طریق^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین هوش معنوی، دینداری و رضایت از زندگی سالمندان مسلمان پاکستان»، به کشف رابطه بین هوش معنوی،

1. Pant, N. & Srivastava, S. K

2. Banerjee, R

3. Munawar, K. & Tariq, O

دین‌داری و رضایت از زندگی پرداخته‌اند. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، یافته‌ها نشان داد که بین هوش معنوی، دین‌داری و رضایت از زندگی در بین مسلمانان سالخورده پاکستان رابطه معنادار وجود دارد.

کومار آجای^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «مطالعه رابطه بین دین‌داری با هوش معنوی در میان معلمان» نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین دین و مذهب و هوش معنوی در پیروان ادیان وجود دارد. فینچ^۲ (۲۰۱۲) هوش معنوی را به عنوان محرک و هسته ادیان و مذاهب می‌داند و به عنوان پتانسیلی معرفی می‌کند که زندگی را معنادار و پاسخگوی سؤالات اصلی بشر در رابطه با مسائل وجودی را بر عهده می‌گیرد. کلارک^۳ (۲۰۰۴) تحقیقی با عنوان «دین‌داری، معنویت و IQ: آیا آنها مرتبط هستند» انجام داده و نشان می‌دهند که یک پدر تحصیل کرده، به نوبه خود جنبه‌های خاصی از دین‌داری و معنویت را کاهش می‌دهد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که رابطه بین مذهب و معنویت مستقیم و معنادار است.

چارچوب نظری

کارشناسان سازمان جهانی بهداشت، به تازگی انسان را موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف می‌کنند (سهرابی، ۱۳۸۷، ص ۱۴). ظهور دوباره کنش‌های معنوی به عنوان پناهگاه انسان معاصر توجهات را دوباره به معنویت و مذهب معطوف کرده است. دین به عنوان امری متعالی، اهتمام به دین و میزان و کیفیت این اهتمام امروز مورد مناقشه قرار گرفته است. دینداری، صفت مفهوم دین است و از این نظر بروز و تجلی آن نسبی است و نمی‌توان مصداق مطلق و قطعی برای آن معلوم کرد. نمی‌توان دین‌داری را جلوه تام و کامل از دین دانست. حال آنکه در دین‌داری می‌توان به صورت نسبی، جلوه جوهر و ذات دین را ملاحظه کرد (میرسندسی، ۱۳۹۴، ص ۸۳). رابطه دین و دین‌داری از سه جهت قابل بررسی است: (أ) از نظر مفهومی، میان دین و دین‌داری «تباين» برقرار است، به عبارت دیگر تعریف دین با تعریف دین‌داری تفاوت دارد؛ (ب) از جهت مصداقی، مصداق دین با مصداق دین‌داری تفاوت دارد. مصداق دین که اراده خداوند با مصداق دین‌داری تفاوت دارد که باورها و رفتارهای انسانی است؛ (ج) از جهت ارتباط مصداقی، از این جهت برخی از جلوه‌ها و مظاهر دین در افراد ظهور و بروز می‌کند و از این جهت فرد انسانی به «دین‌دار» توصیف می‌شود.

1. Kumar

2. Ench

3. Glark

از نظر منطقی رابطه این دو واژه را می‌توان رابطه کل به جز دانست؛ یعنی دین یک مفهوم کلی و دین‌داری مصداق و جلوه‌ای از آن است. برپایه این، متکلمان، دین را یک منبع فیاض و یک سرچشمه نورانی تعبیر می‌کنند و دین‌داری را ظرفیتی دربرگیرنده و ادراک‌کننده این فیوضات به‌شمار می‌آورند (همان، ص ۸۴). در یک حالت کلی، دین‌داری داشتن اهتمام دینی است؛ به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۳۶). دین‌داری افزون بر این، به معنای دینی بودن و التزام دینی نیز در نظر گرفته شده است (سراج‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۵۹)؛ اما نوع دین‌داری به تیپ‌ها و انواع مختلف دین‌داری گفته می‌شود.

در واقعیت بیرونی، یک دین‌داری معیار وجود ندارد؛ بلکه هر فرد و گروهی بر وجوهی از دین اهتمام دارد. دین‌داری را نمی‌توان با یک معیار و شاخص تام بررسی کرد. پژوهش در زمینه دین با دوگانه دین‌دار/ بی‌دین پذیرفتنی نیست؛ بلکه چشم‌انداز انواع دین‌داری امکان نگاه طیفی، مبتنی بر منطق فازی و در حالت‌های بیش از دو وضعیت را فراهم می‌آورد که به‌طور معمول، مطابق دیدگاه‌های روش‌شناختی، امکان شناخت‌آفرینی و واقع‌نمایی بیشتری در این دو حالت فراهم می‌آورد (میرسندسی، ۱۳۹۴، ص ۹۰). نگاه ارزش‌مدارانه و واکاوی حقیقت دین و دین‌داری به قلمرو فلسفه دین و کلام جدید اختصاص دارد؛ اما از منظر جامعه‌شناختی انواع دین‌داری در هر جامعه‌ای که ظهور کند با عناصری از فرهنگ آن جامعه درمی‌آمیزد و به‌صورت آغازین خود باقی نمی‌ماند و مکرر دچار تحول می‌شود و تاکنون مطابق نظریات و تحقیقات گوناگون، نوع متعددی از دین‌شناسایی شده است. بنابر آنچه برگر به‌عنوان «تکثر زیست جهان‌ها» مطرح می‌کند، با رشد فناوری و گسترش و تسهیل روابط و درهم‌پیچیده شدن زمان و مکان، تجربه‌های انسانی نیز متعدد و متکثر شده، ذهنیت انسان از حالت تصلب خارج شده و نوعی انعطاف برای دریافت تجارب و مفاهیم متنوعی یافته است. کنشگر با توجه به این شرایط فعالانه در انتخاب اعتقادات دینی خود می‌کوشد و این قدرت را می‌یابد تا دست به‌گزینش بزند؛ گزینشی که با توجه به نظریه «بازار دینی» برگر، عاقلانه و منفعت‌طلبانه رخ می‌دهد تا آنچه می‌تواند به‌کلی از سنت‌های دینی خود فاصله بگیرد یا حتی به آن بازگردد. پس از بازگشت برگر از نظریه افول دین، بنا به نتایج و فرضیه موجود بیان شده، شاهد این هستیم که جهان‌بینی‌های کلان اقتدار خود را از دست داده‌اند، اما نابود نشده‌اند؛ بلکه می‌توان به تعبیر بلا به این نتیجه رسید که از «نمادسازی‌های متراکم» به «نمادسازی متمایز» رسیده‌ایم؛ از «استعاره بزرگ» لاکمن گذشته‌ایم (تامسون و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۴۳)؛ بنابراین با توجه به تغییرات در الگوهای دین‌داری جوانان، دین‌داری عامه و دین‌داری بریکولاژ، دو نوع دین‌داری‌اند که در این پژوهش در بین جوانان شهر یزد مشاهده شد.

به نظر می‌رسد هوش معنوی را می‌توان به‌عنوان کششی دانست که انسان را فراتر از عوالم مادی سیر می‌دهد. با توجه به بیان آلپورت^۱ (۱۹۵۰) که حس دین‌داری را حسی توصیف می‌کند که باعث می‌شود فرد با کل جهان هستی و معنای آن ارتباط برقرار کرده، آن را درک کند و فرانکل^۲ (۱۹۶۰) که می‌گوید حس دین‌داری عمیق‌ترین و ریشه‌دارترین احساس در اعماق ناهشیار انسان است (عابدینی و برات دستجردی، ۱۳۹۳، ص ۳۸)، می‌توان رابطه دین‌داری و هوش معنوی را محتمل دانست. تحقیقات در مورد رابطه بین معنویت و دین‌داری گویای وجود رابطه مثبت بین آنهاست (آیرانیک و ثمرسیوز،^۳ ۲۰۱۱؛ کلارک،^۴ ۲۰۰۴ به نقل از عابدینی و برات دستجردی، ۱۳۹۳، ص ۴۰).

فینچ^۵ (۲۰۱۲) نیز معتقد است در قلب هر دین و مذهبی، هوش معنوی وجود دارد؛ زیرا مذهب به خودآگاهی، هوشیاری عمیق، معنا دادن به زندگی و حوادث آن و حتی مرگ کمک می‌کند (عابدینی و برات دستجردی، ۱۳۹۳، ص ۴۱). براساس نتایج پژوهش کلارک (۲۰۰۴) که رابطه هوش، دین‌داری و معنویت را در دانشجویان دانشگاه بررسی کرده، رابطه مثبت و معناداری بین معنویت و انجام دعا و نیایش‌های مذهبی و خواندن متون مذهبی وجود دارد (عابدینی و برات دستجردی، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

آمرام،^۶ هوش معنوی را توانایی کاربرد رویکرد چند حسی در حل مسئله و یادگیری همراه با گوش سپردن به ندای درون معرفی می‌کند. به‌دیگرسخن هوش معنوی خودآگاهی عمیقی است که فرد بیشتر از جنبه‌های درونی‌اش آگاه شده و آنها را درک می‌کند؛ به‌نوعی که بشر در این حالت تنها جسم نبوده بلکه مجموعه‌ای از فکر و روح و بدن است (دانشی ليسان و خسروی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۶). ایمونز^۷ هوش معنوی را متشکل از پنج بعد یا توانایی مختلف می‌داند که برخی فرهنگ‌ها برای این مهارت‌ها اولویت بیشتری قائل شده‌اند. این پنج بعد و توانایی عبارت‌اند از:

۱. قابلیت تعالی فیزیکی و مادی: ظرفیت انسان برای ورود به سطوح نامتعارف و متعالی هوشیاری و نیز بالاتر رفتن یا فراتر رفتن از محدودیت‌های عادی و جسمی؛

1. Allport

2. Frankl

3. Ayranic & Semersioz

4. Clartk

5. Einch

6. Amram

7. Emmons

۲. توانایی ورود به سطوح معنوی بالاتر: آگاهی از یک حقیقت غایی که ایجاد احساس یگانگی و وحدت می‌کند و در آن همه مرزها ناپدید شده و همه چیز در یک واحد یگانه می‌شود؛
۳. توانایی یافتن تقدس در فعالیت‌ها، رویدادها و روابط روزمره: تشخیص حضور الهی در فعالیت‌های عادی؛
۴. توانایی به کار بردن منابع معنوی برای حل مسائل زندگی: افرادی که ذاتاً مذهبی هستند راحت‌تر می‌توانند با استرس برخورد کنند. این افراد بیش از دیگران در بحران‌های روحی و مشکلات معنایی راهی برای یادگرفتن می‌یابند و از طریق این مشکلات رشد می‌کنند؛
۵. توانایی انجام رفتار فاضلانه: منظور رفتارهای درست و پسندیده همچون بخشش، نشان دادن سخاوت، انسانیت، شفقت، عشق ایثارگرایانه و... است که از زمان‌های گذشته تاکنون پسندیده انگاشته شده‌اند (همان).
- هوش معنوی مجموعه مهارت‌های سازگاری و توانایی حل مسئله و دستیابی به هدف می‌باشد. این هوش به فرد دیدی کلی درباره زندگی، تجارب و وقایع می‌دهد و او را قادر می‌کند که تجارب خود را در چارچوبی، مجدداً تفسیر کرده و شناخت و معرفت خود را عمیق‌تر کند. سازه هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که در پرتوی توجه و علاقه جهانی روان‌شناسی به حوزه دین و معنویت قرار گرفته است (ظریفیان و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۷). هدهدی و همکاران (۲۰۲۱) (به نقل از ظریفیان و همکاران ۱۴۰۱) می‌نویسند در متون اسلامی در قالب سامانه ترکیبی از سه مقوله عقل، قلب و حکمت پردازش و با واژگانی مانند قوه قدسیه، عقل قدسی، هوش باطنی، فراست مؤمنانه، بالاترین مرتبه ذکاوت، حکمت، قوه شهود و نیز با عین واژه هوش معنوی طرح و بررسی شده و هوشمندان معنوی با عنوان «اولوالالباب» و معرفی شده‌اند. مؤلفه‌های پنج‌گانه و شاخص‌های استخراج‌شده از متون و منابع اسلامی عبارت‌اند از: جستارگری معنا و هدف (با شاخص‌های پرسشگری و تفکر انتقادی وجودی، کشف و خلق معنا و هدف در زندگی و کار)، ظرفیت تعالی شناختی (با شاخص‌های فضیلت‌مندی نیروی شناختی، توانایی فراروندگی در شیوه‌ها، مراتب و منابع شناخت)؛ توانایی کسب آگاهی‌های متعالی (با شاخص‌های خدا آگاهی، خودآگاهی متعالی، ادراک آیه‌ای هستی، تشخیص خیر و شر)؛ معنویت (با شاخص زندگی معنوی درونی) و حکمت (با شاخص زیست حکیمانه/ خردمندانه) (ظریفیان و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۸).
- سهرابی و ناصری (۲۰۱۰) باورها و اعمال مذهبی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش معنوی معرفی می‌کنند که ممکن است این باورها و اعمال در ادیان مختلف به اشکال متفاوتی ظاهر شوند (ظریفیان و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۷). هرچند رابطه‌ای بین دین‌داری و هوش معنوی اثبات نشده

است، اما می‌توان در تأثیر دوسویه این دو متغیر برهم بیشتر تأمل کرد. با وجود تفاوت‌های شناخته شده، نقاط مشترکی را نیز می‌توان برشمرد. با توجه به تعالیم ادیان الهی می‌توان بخشی از ویژگی‌ها و ابعاد هوش معنوی را یافت و با مطالعه سیره بزرگان این ادیان، می‌توان برخورداری آنها از هوش معنوی بالا را دریافت کرد. این شباهت‌ها عاملی شده است تا معنویت و دین و هوش معنوی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار بگیرد.

فینچ (۲۰۱۲) معتقد است که در قلب هر دین و مذهبی هوش معنوی وجود دارد؛ زیرا مذهب به خودآگاهی، هوشیاری عمیق معنا دادن به زندگی و حوادث آن و حتی مرگ کمک می‌کند (عابدینی و برات دستجردی، ۱۳۹۳، ص ۴۱). کلارک (۲۰۰۴) نیز رابطه هوش، دین‌داری و معنویت در دانشگاه را بررسی کرده و رابطه مثبت و معناداری بین معنویت و انجام دعا و نیایش‌های مذهبی و خواندن متون مذهبی گزارش کرده است (همان). در آموزه‌های اسلام به‌طور ضمنی، هوش معنوی مورد توجه قرار گرفته است. جامی (غباری‌بناب، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶) براساس متون مذهبی مؤلفه‌های هوش معنوی را این‌گونه برشمرده است:

۱. مشاهده وحدت در ورای کثرت ظاهری؛
۲. تشخیص و دریافت پیام‌های معنوی از پدیده‌ها و اتفاقات؛
۳. سؤال و دریافت جواب معنوی در مورد منشأ و مبدأ هستی (مبدأ و معاد)؛
۴. تشخیص قوام هستی و روابط بین فردی بر فضیلت عدالت انسانی؛
۵. تشخیص فضیلت فراروندگی از رنج و خطا و به‌کارگیری عفو و گذشت در روابط بین فردی؛
۶. تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای الگوی معنوی؛
۷. تشخیص کرامت و ارزش فردی و حفظ و رشد و شکوفایی این کرامت؛
۸. تشخیص فرایند رشد معنوی و تنظیم عوامل درونی و بیرونی در جهت رشد بهینه این فرایند معنوی؛
۹. تشخیص معنای زندگی، مرگ و حوادث مربوط به حیات، نشور، مرگ وبرزخ، بهشت و دوزخ روانی؛
۱۰. درک حضور خداوندی در زندگی معمولی؛
۱۱. درک زیبایی‌های هنری و طبیعی و ایجاد حس قدردانی و تشکر؛
۱۲. داشتن ذوق عشق و عرفان که در آن عشق به وصال منشأ دانش است به استدلال و قیاس؛
۱۳. داشتن هوش شاعرانه که معنای نهفته در یک قطعه شعری را بفهمد؛

۱۴. هوش معنوی، باعث فهم بطون قرآنی شده و موجب می‌شود افراد کلام انبیا را راحت‌تر و با عمق بیشتر درک نمایند؛

۱۵. هوش معنوی در دریافت داستان‌های موجود در متون مقدس و درک معنای نمادین آن؛

۱۶. هوش معنوی که در قرآن در مورد صاحبان آن، صفت اولوالالباب به‌کار رفته است، باعث می‌شود افراد به جوهره حقیقت پی ببرند و از پرده‌های اوهام عبور نمایند؛

در متون اسلامی تقوا، پرهیزگاری، تدبیر در خلقت، عبادات، حس خشیت در برابر موجودی متعالی، حس حضور در محضر الهی، حفظ آرامش، درک وحدت در عین کثرت مورد تأکید قرار گرفته است.

سانتوس معتقد است هوش معنوی در مورد ارتباط با آفریننده جهان است. وی این هوش را توانایی شناخت اصول زندگی (قوانین طبیعی و معنوی) و بنا نهادن زندگی براساس این قوانین تعریف کرده است:

۱. شناخت و تصدیق هوش معنوی یعنی باور داشتن این مسئله که ما موجوداتی معنوی هستیم و زندگی جسمانی (در این جهان) موقتی است؛

۲. بازشناسی و باور یک موجود معنوی برتر (خداوند)؛

۳. اگر خالقی هست و ما مخلوق هستیم، باید کتاب راهنمایی هم وجود داشته باشد؛

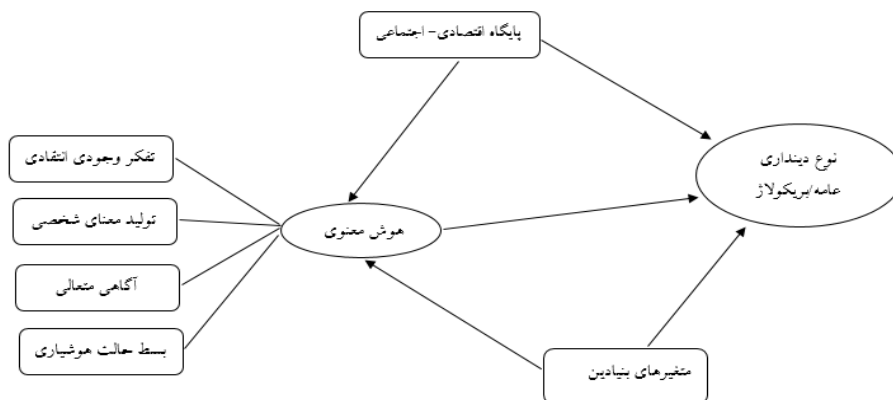
۴. لزوم شناسایی هدف زندگی (وجود چیزی که انسان را فرامی‌خواند) و پذیرفتن این نکته که از نظر ژنتیکی بعضی از توانایی‌ها رمزگذاری شده‌اند؛

۵. شناختن جایگاه خود نزد خداوند (شخصیت فرد بازتاب فهم وی از خداوند است)؛

۶. شناخت اصول زندگی و پذیرفتن این امر که برای داشتن زندگی موفق، باید سبک زندگی و تصمیمات خود را مطابق این اصول شکل داد.

تحقیق در وضع دین‌ورزی در جوامع امروزی، حاکی از نوعی کشش نسبت به مقدسات، دین‌خواهی و پناه‌طلبی است که می‌توان آن را در هماهنگی با هوش معنوی بشر تصور کرد. این مطلب ایده «مرگ خدا» را زیر سؤال می‌برد. توجه هرچه بیشتر به ماورای عالم ماده، جستجوی معنای زندگی، توجه به مدیتیشن و برنامه‌هایی در جهت آرامش و هزاران رفتار و حالت روانی نشان از وجود نیرویی در بشر دارد که به نظر می‌رسد در جوامع با سابقه دینی به‌وسیله دین پاسخ داده می‌شود؛ حال چه به شکل تبعیت از دین رسمی و سنتی و چه به‌وسیله شکل‌های خلاقانه از دین‌داری که رواج یافته است. به نظر می‌رسد حضور هوش معنوی در بشر، خود عاملی شده که

انسان توانمند امروزی را همچنان نیازمند کشف معنا و توجه به امور متعالی نگه دارد. شاید بتوان حیات مداوم و متنوع دین را - برخلاف تحقق عرفی سازی - در ارتباط با این هوش دانست. در بیان رابطه متغیر جنسیت و هوش معنوی، مطابق نظریه نقش، نقش جنسیتی زنان و موقعیت متزلزل و وابسته زنان نسبت به پدر، مهر و عطوفت زنانه و وابستگی آنها به نظام خانواده می‌تواند عاملی مؤثر در بالا بردن دین‌داری آنان نسبت به مردان باشد (توسلی، ۱۳۸۰، ص ۲۳) و یا مطابق نظریه محرومیت که ریشه در افکار فروید درباره دین دارد، گرایش انسان در مرحله تحول مذهبی تلاش برای مقابله با تهدیدها و محدودیت‌های طبیعت از طریق انسانی کردن آنهاست (همیلتون، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰). رنج‌ها، محرومیت‌ها و ناکامی بیشتر زنان نسبت به مردان می‌تواند عامل گرایش بیشتر آنها به دین و معنویت باشد. در بیان رابطه بین معنویت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌توان به نظریه ماکس وبر^۱ تمرکز نمود. وبر مستقیماً به خود دین نمی‌پردازد؛ اما پیوند انواع دین‌داری و گروه‌های اجتماعی و تأثیر انواع دیدگاه‌های دینی بر زندگی اجتماعی و رفتار اقتصادی را دنبال می‌کند (ابوالحسنی، ۱۳۹۷، ص ۶۹). به گمان وبر دین در توجیه و پاسخ به وجود شرور در عالم، چهار مسیر را در پی می‌گیرد: صوفی‌گری آن جهانی؛ صوفی‌گری این جهانی، ریاضت‌جویی آن جهانی، ریاضت‌جویی این جهانی (مرشدی، ۱۳۸۴، ص ۳۴). هوش معنوی و عطف توجه آن به معنا می‌تواند نشانه بی‌توجهی به مادیات باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی متغیرهای پژوهش

1. Max Weber

فرضیات پژوهش

- فرضیه اول: بین هوش معنوی و نوع دین‌داری رابطه وجود دارد؛
- فرضیه دوم: بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و هوش معنوی رابطه معنادار وجود دارد؛
- فرضیه سوم: بین جنسیت و هوش معنوی رابطه معنادار وجود دارد؛
- فرضیه چهارم: بین وضعیت تأهل و هوش معنوی رابطه معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ زمانی مقطعی، از نظر هدف کاربردی، از نظر روش، پیمایشی است. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای است که اعتبار، محتوایی و پایایی آن سنجیده شده است. گویه‌ها با بررسی میدانی و مصاحبه اکتشافی به منظور تشخیص نوع دین‌داری در بین جوانان در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت تدوین شده است. گویه‌های محقق‌ساخته با ارجاع به استادان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد مجدداً بازبینی، ارزیابی و اصلاح شده است. در واقع، با این کار اعتبار صوری پرسشنامه اخذ شده است. همچنین، پایایی ابزار با آلفای کرون باخ بالاتر از ۰/۸ تأیید و هوش معنوی پاسخگویان با پرسشنامه استاندارد (SISRI)^۱ کینگ^۲ پرسش شده است (Van Zolfikli et al, 2017: 45).

جامعه آماری جمعیت ۱۵ تا ۳۴ سال جوانان شهر یزد است که براساس آمار رسمی سال ۱۳۹۷ این جمعیت ۲۳۷ هزار و ۳۵۰ نفر می‌باشد که با کمک فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر از آنها به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا ۵ محله شهر به‌عنوان خوشه انتخاب و داخل خوشه‌ها به روش سیستماتیک خانوارها تعیین و داخل خانوارها به تصادف، عضو جوان خانواده به‌عنوان پاسخگو برگزیده شده است. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها داده‌ها به SPSS وارد و به‌وسیله تحلیل عاملی، آزمون T, F، ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شدند.

1. The Spiritual Intelligence Self-Report Inventory

2. King, D

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیرهای بنیادین

منظور متغیرهایی مانند جنسیت و وضعیت تأهل است که به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود. این متغیر به دو گروه زن و مرد و مجرد و متأهل تقسیم‌بندی و مورد سؤال واقع شده است.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی

در تحقیقات برای محاسبه پایگاه اجتماعی اقتصادی از ترکیب مؤلفه‌های بسیاری استفاده شده که این متغیر در این پژوهش از ترکیب متغیرهای تحصیلات، درآمد و نوع شغل به دست آمده است. متغیرها به صورت ترتیبی مورد سؤال قرار گرفته‌اند.

دین عامه

دین عامه را دین خاموش یا پنهان نامیده‌اند؛ یعنی دین آمیخته با روزمرگی‌ها، رشدیافته در بستر فرهنگی که در جهت استمداد طلبی و رفع حوایج و ناکامی‌ها در رفتار و کردار عامه مردم نمود می‌یابد؛ مانند روشن کردن یک شمع، نذر، قربانی کردن، نماز و نیایش...

دین بریکولاژ

دین فاصله گرفته از قطعیت‌های دین سنتی و آمیخته با عنصر ترجیح و انتخاب‌گری است که فرد دیندار تلاش می‌کند تا بخشی از آموزه‌های دینی را بپذیرد و بخشی دیگر را فروگذارد و با نگاهی ترکیبی آموزه‌های ادیان مختلف را با کمک عقل خود فهم و گزینش کند و همچنین راه رسیدن به حقیقت را متعدد می‌داند و کثرت در دین‌ورزی را به عنوان واقعیت اجتماعی پذیرفته است.

هوش معنوی

هوش معنوی مفهومی شناختی-انگیزشی است که شامل مجموعه مهارت‌های سازگاری و توانایی حل مسئله و دستیابی به هدف می‌باشد. این هوش به فرد دیدی کلی درباره زندگی، تجارب و وقایع می‌دهد و او را قادر می‌کند که تجارب خود را در چارچوبی، مجدداً تفسیر کرده و شناخت و معرفت خود را عمیق‌تر کند. فردی که توانسته به اصول اساسی راه یابد، از محورهای اصلی هوش

معنوی هم برخوردار است (افضلی، ۱۳۹۶، ص ۱۷). کینگ برای هوش معنوی ۴ بعد در نظر گرفته است؛

۱. تفکر وجودی انتقادی: ^۱ توانایی تفکر با دیدی انتقادی به درگیری‌های وجودی و امور ماورائی، زمان، مکان و ...؛

۲. تولید معنای شخصی: ^۲ یافتن معنا، برای همه حوادث زندگی و تجارب، یعنی بازاندیشی در مسائل روزمره و تجارب کسب‌شده، برای درک فرایند و هدف زندگی و نتایج آنها و در کنترل گرفتن آنها؛

۳. آگاهی متعالی: ^۳ شناخت و درک ابعاد والای خود، دیگران، دنیای مادی و ارتباط آنها در حالت‌های هوشیاری؛

۴. بسط حالت هوشیاری: ^۴ توانایی ورود به حالاتی فراتر از هوشیاری و تجربه خلسه و تجربه‌های شهودی، مدیتیشن؛ و... Van Zolfikli et al, 2017:45.

جدول ۱. توصیف متغیرهای مختلف تحقیق و پایایی متغیرها

ضریب پایایی	تعداد گویه	شاخص	
۰/۸۶	۱۳	دین‌داری عامه	نوع دین‌داری
غذای نذری که در مراسم مذهبی، توزیع می‌شود را متبرک می‌دانم. در ایام محرم و صفر، نصب پارچه‌های سیاه، علم و بیرق و آماده‌سازی شهر، در بزرگداشت این ایام اهمیت دارد. شرکت در مراسم عزاداری محرم و صفر برای من اولویت دارد. به شرکت در مراسم اعتکاف علاقه دارم. به اینکه بتوانم در پیاده‌روی اربعین شرکت کنم علاقه دارم. برای سادات (فرزندان پیامبر) احترام قائل هستم. رفتن به زیارت برای من بسیار اهمیت دارد و احساس خوبی پیدا می‌کنم. به شفا گرفتن بیماران معتقدم. با دعا کردن، نذر کردن و انداختن سفره و... به رفع مشکلاتم، امیدوارتر می‌شوم. ظهور منجی نزدیک است و بسیاری از نشانه‌های آن تحقق یافته است. بعضی از زمان‌ها و مکان‌ها مقدس و متبرک هستند و من برای آنها حرمت قائل هستم. در امور مهم زندگی مثل ازدواج و کار و... و سرنوشت انسان، شانس و اقبال تأثیر دارد.			

1. Critical Existential Thinking
2. Personal Meaning Production
3. Transcendental Awareness
4. Conscious State Expansion

ضریب پایایی	تعداد گویه	شاخص	
۰/۸۶	۹	دین‌داری بریکولاژ	<p>– به نظر من دین، یک امر خصوصی است و نیاز به متولی (مبلغان و روحانیون و...) ندارد. معتقدم دین، هیچ مقرراتی را برای اداره جامعه ارائه نکرده و همه را به عقل انسان‌ها واگذار کرده. فکر می‌کنم هرکس خود، می‌تواند تشخیص دهد کدام عمل درست است و کدام عمل درست نیست. در تصمیم‌گیری‌های خود در زندگی تنها به عقل خود مراجعه می‌کنم نه توصیه‌های دینی. آن بخش از احکام شرعی را که برایم موجه نیست و دلیل آن را نمی‌دانم انجام نمی‌دهم. در برقرار کردن رابطه دوستانه با افرادی که با من دین و مذهب مشترکی ندارند، مشکلی نمی‌بینم. تنها حقیقت اهمیت دارد، فرقی نمی‌کند که فرد کدام دین و مذهب را برای رسیدن به آن انتخاب کند. معتقدم دین‌دار بودن هیچ منافاتی با گوش دادن موسیقی ندارد. راه‌های بسیاری برای رسیدن به حقیقت وجود دارد.</p>
۰/۸۱	۷	تفکر وجودی انتقادی	<p>– اغلب درباره ماهیت هستی، سؤال و تفکر می‌کنم. من زمانی را برای تفکر درباره اهداف و دلایل زندگی صرف می‌کنم. من قادرم درباره آنچه بعد از مرگ اتفاق خواهد افتاد عمیقاً فکر کنم. من دارای تئوری‌هایی (نظریه‌هایی) درباره چیزهایی مثل زندگی، مرگ و هستی هستم. من به‌طور فراوان درباره معنای رویدادهای زندگی‌ام تفکر می‌کنم. من اغلب درباره بودن بشر و هدف جهان فکر می‌کنم. من به‌طور عمیق درباره اینکه نیروهای بزرگ‌تر وجود دارند یا نه فکر می‌کنم (مثل خدا الهه‌ها، غیب‌گو یا موجودات داری انرژی زیاد و...).</p>
۰/۸۴	۵	تولید معنای شخصی	<p>– توانایی من در یافتن معنا و هدف زندگی به من در سازگاری با موقعیت‌های استرس‌آمیز کمک می‌کند. من قادرم یک هدف یا دلیل برای زندگی‌ام تعریف کنم. من وقتی یک شکست را تجربه می‌کنم قادرم برای آن معنایی بیابم. من قادرم تصمیماتی بر طبق اهدافم در زندگی اتخاذ کنم. من برای تجارب روزانه قادرم معنا و هدف پیدا کنم.</p>
۰/۸۱	۵	آگاهی متعالی	<p>– من جنبه‌هایی از وجود خودم را که فراتر از جسم مادی‌ام است را می‌شناسم. برای من مشکل است که چیزهایی به‌غیر از اجسام و مواد مادی را حس کنم. من از رابطه عمیق‌تر میان خود و دیگران آگاهم. من خودم را به‌وسیله چیزهای عمیق‌تر از جسم مادی‌ام تعریف می‌کنم. من از جنبه‌های غیرمادی زندگی‌ام آگاهی بالایی دارم. من خصوصیتی را در افراد شناسایی می‌کنم که بامعناتر از بدن، شخصیت و یا هیجان‌های آنهاست (مثل فطرت پاک و یا توانایی‌های خاص). شناختن جنبه‌های مختلف در زندگی به من کمک می‌کند که احساس مرکزیت کنم.</p>
۰/۹۰	۷	بسط حالت هوشیاری	<p>– من قادرم در حالت‌های بالاتر از هوشیاری یا آگاهی وارد شوم (مثل خلسه و یا حالت‌های روحانی). من می‌توانم زمانی که در حالت‌های بالای هوشیاری یا آگاهی هستم را کنترل کنم. من قادرم آزادانه بین سطوح هوشیاری یا آگاهی حرکت کنم. من اغلب اعمال و انتخاب‌هایم را زمانی که در حالت‌های بالاتر از هوشیاری هستم واضح‌تر درک می‌کنم. من فن‌هایی را یاد گرفته‌ام (مذهبی یا غیرمذهبی) که به حالت‌های بالاتر از هوشیاری وارد شوم.</p>

یافته‌ها

با توجه به نتایج داده‌ها، ۴۷/۷ درصد از پاسخگویان را مردان و ۵۲/۳ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. ۵۰/۸ درصد از پاسخگویان، مجرد و ۴۹/۲ درصد نفر از پاسخگویان، متأهل بوده‌اند. کمترین میزان سن ۱۵ سال و بالاترین سن ۳۴ سال و میانگین سن ۲۱/۸۳ و اکثریت پاسخگویان (۹/۹ درصد)، ۳۰ ساله بوده‌اند.

از میان پاسخگویان، سطح سواد ۵/۲ درصد سیکل و پایین‌تر، کاردانی ۱۳/۸ درصد، دیپلم ۳۴/۴ درصد، کارشناسی ۳۷/۵ درصد و کارشناسی ارشد ۷ درصد و صرفاً ۲/۱ درصد دکتری و بالاتر بوده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۱۵/۱ درصد از پاسخگویان فاقد درآمد هستند، ۲۲/۹ درصد کمتر از یک میلیون تومان، ۲۲/۷ درصد بین یک میلیون تومان تا یک و نیم میلیون تومان، ۱۰/۲ درصد بین یک و نیم میلیون تومان تا ۲ میلیون تومان و ۹/۱ درصد بین ۲ میلیون و ۱ هزارتا ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و ۷ درصد بین ۲ میلیون و ۵۰۱ هزارتا ۳ میلیون و ۱۰/۷ درصد بالای ۳ میلیون تومان بوده است. در بیان وضعیت اشتغال پاسخگویان، ۲۹/۴ درصد از پاسخگویان بیکار و ۷۰/۶ درصد شاغل هستند. از نظر پایگاه اقتصادی- اجتماعی، اکثریت پاسخگویان پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۴۹/۲ درصد متوسط دارند و ۳۹/۳ درصد پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین و ۱۱/۵ درصد پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالایی دارند.

جدول ۲. متغیرها برحسب توزیع فراوانی

هوش معنوی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	میانگین نظری	t	sig
هوش معنوی کل	۲۴	۱۲۰	۸۱/۵۷	۰/۶۳۳	۷۲	۱۵/۱۰۷	۰/۰۰۰
دین‌داری عامه	۱۲	۹۷	۴۶	۰/۵۲۶	۳۹	۱۳/۲۹۶	۰/۰۰۰
دین‌داری بریکولاژ	۱۵	۴۵	۳۰/۴۸	۰/۳۱۵	۲۷	۱۱/۰۲۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۲ و سطح معناداری قابل قبول ($sig=0/000$) بین میانگین تمام متغیرها با میانگین نظری نمونه اختلاف معناداری وجود دارد. میانگین هوش معنوی ۸۱/۵۷ و بالاتر از میانگین نظری است. همچنین میانگین دین‌داری عامه ۴۶ و میانگین دین‌داری بریکولاژ ۳۰/۴۸ بالاتر از میانگین نظری هستند.

جدول ۳. نتایج آزمون تفاوت میانگین متغیرها در جوانان برحسب تأهل و جنسیت

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
دین‌داری عامه	زن	۴۷/۵۳	۱۰/۷۰	۲/۷۸۶	۳۸۲	۰/۰۰۶
	مرد	۴۴/۶۱	۹/۷۸			
	مجرد	۴۴/۶۸	۱۱/۵۰۵	۲/۵۷۰	۳۸۲	۰/۰۱۳
	متأهل	۴۷/۳۶	۸/۷۶۸			
دین‌داری بریکولاژ	زن	۲۹/۴۶	۶/۴۸	۳/۱۰۸	۳۸۲	۰/۰۰۰
	مرد	۳۱/۴۰	۵/۷۶			
	مجرد	۳۱/۵۷	۵/۹۶۱	۳/۵۷۴	۳۸۲	۰/۰۰۰
	متأهل	۲۹/۳۵	۶/۲۲۶			
هوش معنوی	زن	۸۱/۰۹	۱۲/۷۱	-۰/۷۱۴	۳۸۲	۰/۴۷۶
	مرد	۸۲	۱۲/۱۴			
	مجرد	۸۲/۲۳	۱۳/۱۹	۱/۰۶۱	۳۸۲	۰/۲۸۹
	متأهل	۸۰/۸۸	۱۱/۵۴			

براساس جدول ۳، میانگین دین‌داری عامه زنان (۴۷/۵۳) بیشتر از میانگین دین‌داری عامه مردان (۴۴/۶۱) است که این تفاوت از نظر آماری (sig=۰/۰۰۶) معنادار است. همچنین، براساس نتایج آزمون t مستقل، میانگین دین‌داری عامه در میان افراد متأهل (۴۷/۳۶۵) به طرز معناداری (sig=۰/۰۱۳) بیشتر از افراد مجرد (۴۴/۶۸۷) است. اما میانگین دین‌داری بریکولاژ زنان (۲۹/۴۶) با توجه به سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) با میانگین دین‌داری بریکولاژ مردان (۳۱/۴۰) تفاوت معناداری دارد. همچنین، دین‌داری بریکولاژ با توجه به سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) در بین مجردها (۳۱/۵۷) با متأهلها (۲۹/۳۵) تفاوت معناداری دارد. میانگین هوش معنوی در زنان، با توجه به سطح معناداری با میانگین هوش معنوی مردان تفاوت معناداری ندارد. همچنین، میانگین هوش معنوی در افراد مجرد نیز با افراد متأهل تفاوت معناداری ندارد.

جدول ۴. رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و گونه دین‌داری

هوش معنوی	بسط حالت هوشیاری	آگاهی متعالی	تفکر وجودی انتقادی	تولید معنای شخصی	ضریب همبستگی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
۰/۰۷۵	-۰/۰۶۹	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳۴	۰/۰۷۴		
۰/۱۴۴	۰/۱۷۶	۰/۹۱۹	۰/۵۰۴	۰/۱۴۷		

نمود رابطه معنادار بین ابعاد هوش معنوی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان می‌تواند عدم ارتباط هوش معنوی با مادیات در زندگی انسان و گره‌خورده با جنبه‌های معنوی انسان باشد.

جدول ۵. خروجی آزمون پیرسون بین متغیرهای مستقل و نوع دین‌داری

متغیرها	هوش معنوی	دین‌داری بریکولاژ	دین‌داری عامه	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
هوش معنوی	۱			
دین‌داری بریکولاژ	**۰/۲۱۷	۱		
دین‌داری عامه	**۰/۲۴۴	**۰/۲۵۶	۱	
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۰/۰۴۲	**۰/۲۱۴	**-/۲۴۰	۱

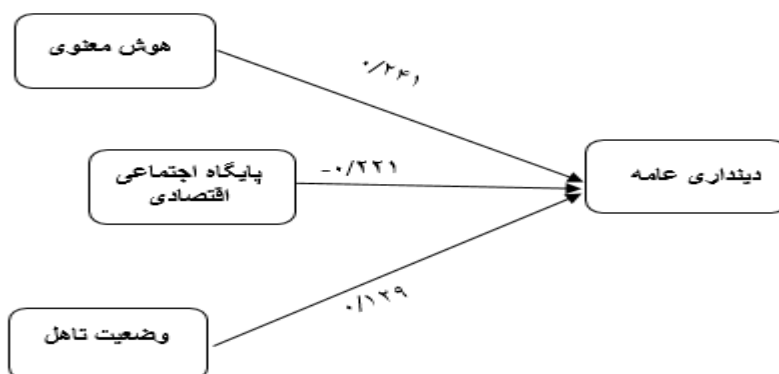
با توجه به نتایج آزمون، بین هوش معنوی و دین‌داری عامه همبستگی معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین، این رابطه مثبت و معنادار بین دین‌داری بریکولاژ و هوش معنوی نیز مشاهده شده است. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و هوش معنوی هیچ رابطه معناداری مشاهده نشده است؛ اما بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با دین‌داری بریکولاژ رابطه مثبت و معنادار و با دین‌داری عامه رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر متغیر دین‌داری عامه و بریکولاژ

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل بر دین‌داری عامه

نوع اثر	سطح دین‌داری معنی	t	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل		
				خطای معیار	B			
کل	مستقیم							
	غیرمستقیم							
۰/۲۴۱	-	۰/۲۴۱	۰/۰۰۰	۵/۰۲۸	۰/۲۴۱	۰/۰۴۰	۰/۲۰۱	هوش معنوی
-۰/۲۲۱	-	-۰/۲۲۱	۰/۰۰۰	-۴/۶۰۲	-۰/۲۲۱	۰/۱۶۸	-۰/۷۷۴	پایگاه اجتماعی اقتصادی
۰/۱۲۹	-	۰/۱۲۹	۰/۰۰۸	۲/۶۷۴	۰/۱۲۹	۰/۹۹۱	۲/۶۵۱	وضعیت تأهل
ضریب همبستگی چندگانه				ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده		
۰/۳۵۹				۰/۱۲۹		۰/۱۲۲		

براساس جدول ۶، متغیرهای هوش معنوی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و وضعیت تأهل، ۱۲/۲ درصد از واریانس دین‌داری عامه را تبیین کرده و همچنین نتایج تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر دین‌داری عامه نشان می‌دهد که متغیر هوش معنوی بیشترین تأثیر مستقیم ($\beta=0/241$) را در تبیین دین‌داری عامه دارد.

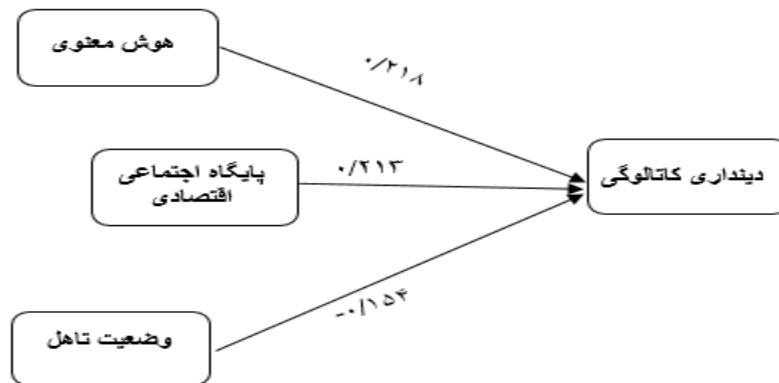


شکل ۲. مدل مسیر دین‌داری عامه

جدول ۷. نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل بر دین‌داری بریکولاژ

نوع اثر	سطح داری معنی	T	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
				B	خطای معیار	
کل						
مستقیم						
غیرمستقیم						
کل						
وضعیت تأهل	0/002	-3/196	-0/154	0/597	-1/907	وضعیت تأهل
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	0/000	4/408	0/213	0/101	0/446	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
هوش معنوی	0/000	4/521	0/218	0/024	0/109	هوش معنوی
ضریب همبستگی چندگانه			ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده	
0/347			0/121		0/114	

براساس جدول ۷، متغیرهای هوش معنوی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و وضعیت تأهل، ۱۱/۴ درصد از واریانس دین‌داری بریکولاژ را تبیین کرده و هوش معنوی با ضریب کل ۰/۲۱۸ دارای بیشترین تأثیر بر دین‌داری بریکولاژ است.



شکل ۳. مدل مسیر دین‌داری بریکولاژ

بحث و نتیجه‌گیری

دین به‌عنوان نهادی قدیمی در جامعه حضور پررنگی داشته است و به مدد رشد فناوری و پیشرفت بشر گمان می‌رفت با افزایش قدرت کنترل طبیعت، از وابستگی انسان به ادیان و امور ماورالطبیعی کاسته و ارتباط انسان با آسمان قطع خواهد شد و تحقق عرفی‌سازی و درهم شکستن سایبان مقدس قطعی است؛ اما گذر زمان نشان داد که زیست انسان در خلأ معنویت به‌سختی امکان‌پذیر است و امروز شاهد چرخش از تئوری افول دین به تحقق دوباره امر دینی هستیم و جایگاه دین‌داری در جهان احیا شده است. این بار با دین یکپارچه، آنچنان‌که در جوامع سنتی حضور داشت، مواجه نیستیم؛ بلکه دین‌داری، بنابر اعتقاد برگر و به تناسب زیستن در جهان‌های متکثر و تجربه‌های متنوع، تنوع بسیاری یافته است. این بار این افراد هستند که به‌عنوان متقاضیان در بازارهای دینی، نوع اعتقادات دینی خود را برمی‌گزینند تا به نیاز خود پاسخ گویند.

در این پژوهش دو نوع دین‌داری عامه و بریکولاژ در بین جوانان شهر یزد مشاهده شده است. پس از شناسایی دو نوع دین‌داری، این پژوهش رابطه هوش معنوی با نوع دین‌داری را مورد بررسی قرار داد. هرچند این‌همانی بین هوش معنوی و دین به‌وسیله صاحب‌نظران تأیید نشده است، اما می‌توان هوش معنوی را محرکی به سمت دین‌داری و دین‌داری را عامل پویایی هوش معنوی دانست. تدبیر در آفاق و انفس، بهره‌گیری از قدرت تعقل و کمال‌طلبی به‌عنوان نیروی ذاتی و موهبتی الهی و نوری رحمانی، توجه به خلقت و رسالت انسان در دنیا و در نظر گرفتن بعدی فراتر از جنبه‌های مادی انسان، احساس فقر وجودی و توجه دائم به وجودی مطلق، انجام عبادات و اذکار،

توسل، نذر، شفا و تأثیر آنها در برون‌رفت از بحران‌های روحی و مشکلات، رعایت اخلاقیات به‌عنوان فضیلت و مهرورزی و ... همه توصیه‌های دینی هستند که با مؤلفه‌های هوش معنوی مانند توجه به حقیقت‌گایی و احساس یگانگی و وحدت با آن، قدرت ورود به سطوح نامتعارف و متعالی هوشیاری، قداست بخشیدن به امور عادی روزمره و توجه به حضور در محضر الهی، به کار گرفتن خلاقانه هوش معنوی در رفع گرفتاری‌ها، انگیزه برای انجام رفتارهای فاضلانه، -که ایمونز- مطرح می‌کند رابطه دارد.

نتایج این پژوهش رابطه مستقیم بین دو نوع دین‌داری و هوش معنوی را نشان می‌دهد. رابطه مستقیم بین دین‌داری و هوش معنوی در پژوهش کومار و آجی (۲۰۱۸)، سهرابی (۲۰۱۸)، خوش‌طینت (۲۰۱۸)، فینچ (۲۰۱۲)، کلارک (۲۰۰۴)، دانشی ليسان و خسروی (۱۳۹۷)، عابدینی و برات دستجردی (۱۳۹۳)، خزایی (۱۳۸۹)، غباری‌بناب و همکاران (۱۳۸۷) همسو است. سطح دین‌داری عامه و دین‌داری بریکولاژ در جوانان شهر یزد بالاتر از حد متوسط است.

در این پژوهش، دین‌داری عامه که درگیر مسائل روزمره انسان‌ها و دینی امیدوارانه و آمیخته با خرافات است، در میان زنان جوان و جوانان متأهل که درگیر حل بحران‌های زندگی و حل آنها هستند بیشتر است. همچنین، دین‌داری بریکولاژ، در بین مردان جوان و جوانان مجرد که ذهنی مسئله‌پرورتر و فرصت بیشتری برای بررسی انتقادی و عقلانی در دین‌داری خود دارند پررنگ‌تر است. از نظر پایگاه اجتماعی-اقتصادی با بالاتر رفتن پایگاه افراد و سطح تحصیلات، دین‌داری عامه کمتری دیده شده و در نقطه مقابل پابندی به دین‌داری بریکولاژ که عقلانی است بیشتر می‌شود.

با توجه به نتایج می‌توان هوش معنوی را به‌عنوان نیروی تأثیرگذار و محرکی در جهت زیست اخلاقی و مسئولانه و پویا دانست. لازم است با آموزش‌هایی در نهادهای مختلف از جمله آموزش و پرورش، با شکوفایی این هوش، در اصلاح جامعه و کاستن از نگرانی مبنی بر دین‌گریزی جوانان کوشید. پرورش این هوش در زیست اخلاقی و توسعه فرهنگی نقش بسزایی دارد. مطابق نتایج رابطه بین هوش معنوی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی معکوس نشان داده شده است. این نتیجه در مطابقت با نظریه وبر به‌عنوان اندیشمندی که به‌دنبال تعیین رابطه بین دین و سرمایه‌داری است هماهنگی ندارد. نظریه وبر در جوامع غربی مورد تأیید قرار گرفته است؛ اما در جوامع شرقی و جامعه ما که معنویت با نوعی ریاضت‌کشی این جهانی گره خورده است تأیید نشده است؛ بنابراین مطابق نظریه وبر می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که هوش معنوی و تمرکز آن بر معنا با روحیه ریاضت‌کشی هماهنگی دارد.

منابع

۱. ابوالحسنی، فضه (۱۳۹۷)، «مطالعه عوامل اجتماعی مرتبط با گونه‌های دین‌داری در جوانان شهر یزد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد.
۲. آزاده منصور، اعظم و عاصفه توکلی (۱۳۸۶)، «فردگرایی، جمع‌گرایی، دین‌داری»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ص ۱۰۱-۱۲۵.
۳. افضل‌ی، نرگس (۱۳۹۶)، «نقش هوش معنوی پیش‌بینی سلامت روانی پاسخگویان با میانجی‌گری تاب‌آوری به‌منظور تدوین مدل ساختاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. باغگلی، حسین و کبری افشار (۱۳۹۳)، «بهره‌گیری از هوش معنوی در زمینه تربیت دینی (فرصت‌ها و چالش‌ها)»، همایش ملی فلسفه تربیت دینی و تربیت اخلاقی.
۵. تامسون، کیت و دیگران (۱۳۸۱)، «دین و ساختار اجتماعی»، ترجمه: علی بهرام‌پور و حسن محدثی، مقالاتی در جامعه‌شناسی دین، تهران: نشر کویر.
۶. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی دین، تهران: سخن.
۷. خدای، علیرضا (۱۳۹۶)، دین در جوامع مدرن، تهران: نشر نی.
۸. خزایی، حسین (۱۳۸۹)، «هوش معنوی و بهداشت روانی»، پژوهش‌های علم و دین، سال اول، ش ۱، ص ۳۱-۵۶.
۹. دانشی ليسان، فاطمه و علی اکبر خسروی‌بابادی (تابستان ۱۳۹۷)، «بررسی رابطه بین هوش معنوی، ذهنیت فلسفی و باورهای دینی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال پانزدهم، دوره دوم، ش ۳۰، پیاپی (۵۵)، ص ۱۶۳-۱۷۳.
۱۰. سراج‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: طرح نو.
۱۱. سهرابی، فرامرز (بهار ۱۳۸۷)، «مبانی نظری هوش معنوی»، فصلنامه سلامت روان. سال اول، ش ۱، ص ۱۴-۱۸.
۱۲. شجاعی زند (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دین‌داری»، نامه جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱ بهار، ص ۳۴-۶۶.
۱۳. شریعتی، سارا (۱۳۹۴)، «دین عامه، دین خاموشی»، نشست گروه جامعه‌شناسی دین. انجمن جامعه‌شناسی ایران.

۱۴. ظریفیان، فرشته؛ محمد سعید عبدخدائی و حمیدرضا آقامحمدیان شعریاف (۱۴۰۱)، «بررسی اثربخشی آموزش خودشناسی با رویکرد صدراپی بر هوش معنوی»، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۲(۲)، ۵-۲۴. doi: 10.22067/tpccp.2022.76259.1278
۱۵. عابدینی، یاسمن و نگین برات دستجردی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «رابطه دین‌داری و هوش معنوی و تأثیر آنها بر عملکرد تحصیلی دانشجویان»، رویکرد نوین آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، سال نهم، ش ۱، شماره پیاپی ۱۹، ص ۳۷-۵۲.
۱۶. عابدینی، یاسمین و نگین برات دستجردی (۱۳۹۳)، «رابطه دین‌داری و هوش معنوی و تأثیر آنها بر عملکرد تحصیلی دانشجویان»، رویکردهای نوین آموزشی، ۹(۱)، ۳۷-۵۲.
۱۷. غباری‌بناب، باقر؛ محمد سلیمی، لیلا سلیمانی و ثنا نوری مقدم (۱۳۸۷)، «هوش معنوی»، اندیشه نوین دینی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۴۷-۱۲۵.
۱۸. گلمکانی عالم‌زاده، مریم (۱۳۸۷)، «بررسی ظرفیت و محدودیت‌های گفتمان‌های دینی در فهم و تبیین وضعیت کنونی دین‌داری جوانان در شهر تهران»، پایان‌نامه دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۹. محدثی، حسن (۱۳۹۷)، روایت ایرانی جامعه‌شناسی دین، تهران: تیسرا.
۲۰. مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، «چندگانه شدن زیست جهان دانشجویان و نسبت آن با عرفی شدن آنها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۱. میرسندسی، محمد (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دین‌داری، چاپ دوم. نشر جامعه‌شناسان.
۲۲. همیلتون، ملکوم (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی. نشر: تبیان.
23. Banerjee, R. Pathak, R. & Yadav, S. (2019), *Family Relationship and Spiritual Intelligence: With Reference to Students of Professional Courses*. Available at SSRN3307724.
24. Berger, Peter L. (2000), "Reflections of an Ecclesiastical Expatriate In The Christian Century", Vol. 107, No. 24, pp. 964-969.
25. Clark, R. (2004), "Religiousness, spirituality and IQ: Are they linked?", *Exploration: An Undergraduate Research Journal*, 3, 35-47.
26. Einch, G. (2012), *Spiritual intelligence: Core of religion*. Retrieved, from <http://www.ffrf.orglftoday/> April 2012/ Weinberg quotesthtml.

27. Golmakani, N. Rezaei, F. & Mazloun, S. R. (2018), “The Relationship of Spiritual Intelligence and Religious activities with happiness of midwives working in hospitals and health centers”. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, 6(2), 1264–1272.
28. Khoshtinat, V. (2012), “A review on relationship between religionspirituality, spiritual transcendent, spiritual intelligence with religious coping”, *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*. 3(9), 1916–1934.
29. Kumar, A. (2018), “Study of Religiosity among B. Ed Teacher Trainees in Relation to Spiritual Intelligence”. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 8(4), 39–44.
30. Munawar, K. & Tariq, O. (2018), “Exploring Relationship Between Spiritual Intelligence, Religiosity and Life Satisfaction Among Elderly Pakistani Muslims”, *Journal of religion and health*, 57(3), 781–795.
31. Pant, N. & Srivastava, S. K. (2019), “The Impact of Spiritual Intelligence, Gender and Educational Background on Mental Health Among College Students”, *Journal of religion and health*, 58(1), 87–108.
32. Sohrabi, F. (2018), “Spiritual Intelligence Quotient (SQ) in the Quran and Islamic Narrative Texts”. *Āfāq-i Dīn*, 8(30), 29–56.
33. Wan Zulkifli, W. N. Ishak, N. A. & Mat Saad, Z. (2017), “The spiritual intelligence self report inventory (Sisri 24) instrument reliability among delinquent teenagers”. *IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS)*, 22(7), 44–47.